

اجتماعات یادگیرنده

گفت وگو با تی منگ یو

مریم فرحمند

گرفت، یا آنچه نوشته شده، به اندازه کافی خوب نخواهد بود.

مثال ساده‌اشنا کردن بر اهمیت دانش ضمنی دلالت دارد. یکی از لوازم شنا کردن، بودن در بستر شنا کردن است. شما باید نزدیک آب باشید، درون آب باشید و باید احساس غوطه‌ور شدن را تجربه کنید. بنابراین، بودن در بستر عمل و تعامل با محیط موجب کسب فهم ضمنی یا دانش ضمنی درباره چگونه غوطه‌ور شدن و در نهایت شنا کردن می‌شود. اکنون سؤال این است که اجتماع یادگیرنده چه نقشی در برساختن دارد. بیشتر دانش ما، ماهیت ضمنی دارد. به هر میزان که تلاش کنیم آن‌ها را آشکار کنیم و صراحت ببخشیم، پاره‌ای از علوم پایه بسیار سخت به دانش ضمنی تبدیل می‌شوند. حتی وقتی که به صورت صریح بیان می‌شوند -مانند مثالی که گفته شد- برای یادگیری کفایت نمی‌کند. اینجاست که اجتماع یادگیرنده وارد عمل می‌شود.

اجتماع یادگیرنده می‌تواند از دو جهت واجد اهمیت باشد: یادگیری به صورت اجتماعی اتفاق می‌افتد، و یادگیری باید در بستر عمل اتفاق بیفتد. بنابراین، در مثال شنا کردن با توجه به اهمیت دانش ضمنی، اگر شما بتوانید شنا کردن را به کمک اعضای یک اجتماع یادگیرنده در بستر آب (استخر، رود یا دریا)، یاد بگیرید، شانس بیشتری برای توسعه و برساختن دارید که کامل‌تر است. به این معنی که درک شما کمی بیشتر و توانایی استفاده از این دانش، پیشرفته‌تر است.

شنا کردن فقط یک مثال است. شما می‌توانید یادگیری علوم‌ی مانند ریاضی یا زبان را در نظر بگیرید یا روی حوزه تخصص من تمرکز کنید که به معلمان چگونه یادگیری و یاددهی را آموزش می‌دهم. در کلاس من دانشجویان جوان یاد می‌گیرند که چگونه معلم شوند. اجتماع یادگیرنده برای آن‌ها موقعیتی را فراهم می‌کند که عضوی

اشاره

دکتر تی منگ یو، مدرس ارشد گروه برنامه‌ریزی درسی و فناوری آموزشی «دانشگاه مالایا» است. او مدرک دکترای خود را از دانشگاه کانزاس آمریکا دریافت کرده و در عرصه‌های آموزش و پرورش، مدیریت، روزنامه‌نگاری، فناوری و روان‌شناسی کار کرده است. برنامه تحقیقاتی او در سال‌های اخیر در حوزه «برساختن» بوده است. در حال حاضر، او درباره اجتماع یادگیرنده و نقش آن در آموزش و رشد حرفه‌ای معلمان تحقیق می‌کند.

منظور از اجتماع یادگیرنده اجتماعی است که افرادش به‌طور منظم یکدیگر را ملاقات می‌کنند، تجاربشان را به مشارکت می‌گذارند و با هم کار می‌کنند تا مثلاً مهارت‌های تدریس خود و کارکرد تحصیلی دانش‌آموزان را بهبود بخشند.

مصاحبه حاضر را خانم فرحمند، دانشجوی کارشناسی ارشد فناوری آموزشی در دانشگاه مالایا با ایشان انجام داده است.

● یکی از زمینه‌های تحقیقاتی شما برساختن است. نقش اجتماع یادگیرنده در برساختن چیست؟

○ دانش در پیشرفته‌ترین فرم می‌تواند بعد ضمنی بسیار عمیقی داشته باشد. اگر ما به ماهیت دانش توجه کنیم، درمی‌یابیم که دو نوع دانش اساسی وجود دارد: دانش ضمنی^۱ و دانش صریح^۲. دانش صریح دانشی است که به آسانی می‌توان آن را توضیح داد و در کتاب‌ها نوشت، یا به آسانی در قالب کلمات به اشتراک گذاشت. دانش ضمنی نقطه مقابل دانش صریح است و به آسانی، چه به صورت کلامی چه به صورت متنی، قابل توضیح نیست. برای مثال، اگر من بخواهم به شما شنا کردن را یاد بدهم، می‌توانم کتابی در مورد چگونه شنا کردن بنویسم اما احتمالاً شما فقط با خواندن آنچه من توضیح داده‌ام، شنا کردن را یاد نخواهید

یکی از عوامل مهم این است که مردم براساس اراده آزاد خود باید بخواهند که عضوی از اجتماع یادگیرنده باشند. آن‌ها باید داوطلب حضور در اجتماع یادگیرنده باشند، نه اینکه مثلاً چون رئیس مرا وادار کرده است، به اجتماع یادگیرنده پیوندم

وقتی ورود افراد داوطلبانه است، به صورت معمول می‌توانید چند چیز را فرض کنید: افراد متعددی هستند و خودشان می‌خواهند آنجا باشند. نقطه شروع آن‌ها این است: «من می‌خواهم یاد بگیرم»، یا «من می‌خواهم عضوی از جایی باشم که بتوانم از دیگران یاد بگیرم». بنابراین وقتی این اتفاق می‌افتد، برای موفقیت اجتماعات یادگیرنده فضای بیشتری یا کانالیزورهای بهتری فراهم می‌شود.

جایی باشم که بتوانم از دیگران یاد بگیرم». بنابراین وقتی این اتفاق می‌افتد، برای موفقیت اجتماعات یادگیرنده فضای بیشتری یا کانالیزورهای بهتری فراهم می‌شود. مردم می‌توانند در محیط‌های بسیار غیررسمی و رسمی از هم بیاموزند. اگر فرصت شکل‌گیری اجتماعات یادگیرنده را فراهم کنید، یادگیرندگان با پیوستن به آن می‌توانند بسیار پیشرفت کنند.

● **رشد فناوری روی اجتماعات یادگیرنده نیز تأثیر داشته است و امروزه اجتماعات یادگیرنده برخط (آنلاین) در قالب تالارهای گفت‌وگو و مانند آن‌ها مشغول آموزش‌اند. نقاط قوت و محدودیت یادگیری در این محیط چیست؟**

○ اجازه بدهید در مورد فناوری‌هایی صحبت کنیم که اجتماع یادگیرنده را فعال می‌کنند: «فیس‌بوک»، بسیاری از شبکه‌های اجتماعی، «واتس‌آپ»، سایت‌ها، «وایبر» و ایمیل. این‌ها همه فناوری‌های فعال‌کننده اجتماع یادگیرنده‌اند. اما فقط داشتن فناوری به تنهایی نمی‌تواند اجتماع یادگیرنده بسازد. اجتماعات هنوز نیاز دارند که توسط مردم در بستر عملی که آن را طراحی کرده‌اند، هدایت شوند. احتمالاً بزرگ‌ترین نقطه قوت، امکان عضویت در یک اجتماع یادگیرنده در محیط جغرافیایی پراکنده است. بنابراین، فناوری اجازه می‌دهد تا شما در ایران، من در مالزی، یک نفر در آمریکا یا استرالیا یا عربستان یا انگلیس یا آفریقا در اجتماع یادگیرنده بر خط جمع شویم و امکان کار کردن با یکدیگر و یاد گرفتن از یکدیگر را در بستر مجازی داشته باشیم. این بزرگ‌ترین نقطه قوت فناوری است.

اما محدودیت در اینجا محدودیت فناوری مورد بحث نیست، بلکه من فکر می‌کنم محدودیتی که اینجا از آن صحبت می‌شود، محدودیت استفاده از فناوری توسط ما انسان‌هاست. ما فکر می‌کنیم که مثلاً اگر در واتس‌آپ

از اجتماع معلمان با تجربه یا بدون تجربه باشند. آن‌ها می‌توانند به یکدیگر آموزش دهند و از هم یاد بگیرند و بستری برای عملشان فراهم می‌شود. معمولاً معلمان انگیزه دارند که به یکدیگر یاد دهند و از یکدیگر یاد بگیرند و این یکی از مهم‌ترین نقش‌های اجتماع یادگیرنده در جهت برساختن است.

● **یک فرد یا یک سازمان چگونه می‌تواند در عمل، اجتماع یادگیرنده تشکیل دهد؟ آیا خود شما تجربه ساختن اجتماع یادگیرنده را داشته‌اید؟**

○ بله، من تعداد زیادی اجتماع یادگیرنده تشکیل داده‌ام که خیلی از آن‌ها ناموفق و برخی هم موفق بوده‌اند. خود من عضوی از یک اجتماع یادگیرنده بودم که خودم آن را تشکیل نداده بودم. این اجتماع پیش از آنکه من به آن ملحق شوم، وجود داشته است.

در واقع آنچه من از این اجتماعات یاد گرفته‌ام، این است که تشکیل اجتماع یادگیرنده در یک سازمان کمی پیش‌بینی‌ناپذیر است. ما نمی‌دانیم که کی موفق خواهیم بود یا شکست خواهیم خورد. براساس تحقیقات، تجربه خود من و همچنین تحقیقات روی اجتماعات یادگیرنده، می‌دانیم که عوامل و عناصری وجود دارند که باید حضور داشته باشند تا اجتماع یادگیرنده شانس موفقیت داشته باشد. به نظر من یکی از عوامل مهم این است که مردم براساس اراده آزاد خود باید بخواهند که عضوی از اجتماع یادگیرنده باشند. آن‌ها باید داوطلب حضور در اجتماع یادگیرنده باشند، نه اینکه مثلاً چون رئیس‌مرا وادار کرده است، به اجتماع یادگیرنده بپیوندم. می‌توانید این روش را امتحان کنید اما براساس تجربه من چنین اجتماعی موفق نخواهد بود.

اجتماعات یادگیرنده موفق‌تری که من آن‌ها را تشکیل داده‌ام یا عضوی از آن‌ها بوده‌ام یا به آن‌ها پیوسته‌ام، در یک چیز مشترک بوده‌اند: اینکه افراد براساس اراده آزاد خود به آن‌ها ملحق شده و خودشان آن‌ها را خواسته بودند. من باور دارم که این نکته مهم است. زیرا وقتی ورود افراد داوطلبانه است، به صورت معمول می‌توانید چند چیز را فرض کنید: افراد متعددی هستند و خودشان می‌خواهند آنجا باشند. نقطه شروع آن‌ها این است: «من می‌خواهم یاد بگیرم»، یا «من می‌خواهم عضوی از



باشیم یا از دیگر نرم‌افزارها یا برنامه‌های شبکه‌های اجتماعی استفاده کنیم، کافی است اما بهره‌بردن از فناوری، چیزی بیش از دسترسی به آن است. انسان‌ها نیاز دارند که یاد بگیرند چگونه با هم کار کنند، چگونه از هم یاد بگیرند، به چه زبانی با هم صحبت کنند و از چه منابعی استفاده کنند که بقیه یادگیرندگان نیز بتوانند با آن‌ها ارتباط برقرار کنند. بنابراین، اگر اعضای اجتماع یادگیرنده نمی‌دانند که چگونه از هم یاد بگیرند یا با چه زبانی به یکدیگر یاد دهند که برای اعضا خوشایند باشد، این عوامل سالم بودن اجتماع را بسیار دشوار می‌کند. بنابراین، بحث محدودیت فناوری نیست، محدودیت این است که مردم چگونه از فناوری استفاده می‌کنند. فناوری می‌تواند به اندازه ما، به اندازه‌ای که شما می‌خواهید یا به اندازه یکی از اعضای اجتماع قدرت داشته باشد. بنابراین، این وظیفه مردم است که استفاده از فناوری را یاد بگیرند و قدرت آن را افزایش دهند و محدودیت‌های آن را کم کنند.

باید گرد آمدن افراد در کنار یکدیگر را تسهیل کند تا درباره هر چیزی که می‌خواهند صحبت کنند؛ در مورد احساساتشان، ناامیدی‌ها و ناکامی‌هایشان، و در مورد زندگی روزمره‌شان. زیرا معاشرت کردن با دیگران و به اشتراک گذاشتن در این سطح، پایه و اساس به اشتراک گذاشتن در سطوح دیگر است و می‌تواند به ساختن و ساز دانش کمک کند. بنابراین، اجتماعی شدن ممکن است کمی در مورد به اشتراک گذاشتن احساسات و ناکامی‌ها و آنچه دوست دارید و با دوست ندارید باشد اما این منبع به ما اجازه می‌دهد که پایه‌ای را بسازیم برای عامل بعدی که من آن را «برونی‌سازی» می‌نامم. برون‌سازی زمانی است که اعضای یک اجتماع می‌توانند دانسته‌های ضمنی خود را شکل بدهند و آن را کمی تصریح کنند و با دیگر اعضا به اشتراک بگذارند. گاه تبدیل دانسته‌های ضمنی به دانش صریح ممکن است کمی سخت باشد، اما اعضا می‌توانند دانسته‌های خود را در قالب عمل یا ساختن یک نمونه اولیه، به صورت صریح بیان کنند. به عنوان نمونه، در مورد شنا کردن یا دوچرخه‌سواری هنگامی که یاد بگیرید آن را برون‌سازی کنید می‌توانید آن را برای فرد دیگری توضیح دهید. زمانی که در آب شناور هستید، تنها کافی است آسوده باشید و اجازه دهید که آب شما را هدایت کند، یا زمانی که دوچرخه‌سواری یاد می‌گیرید، اینکه چگونه با چپ و راست کردن بدن خود تعادل خود را حفظ کنید و زمانی

باشیم یا از دیگر نرم‌افزارها یا برنامه‌های شبکه‌های اجتماعی استفاده کنیم، کافی است اما بهره‌بردن از فناوری، چیزی بیش از دسترسی به آن است. انسان‌ها نیاز دارند که یاد بگیرند چگونه با هم کار کنند، چگونه از هم یاد بگیرند، به چه زبانی با هم صحبت کنند و از چه منابعی استفاده کنند که بقیه یادگیرندگان نیز بتوانند با آن‌ها ارتباط برقرار کنند. بنابراین، اگر اعضای اجتماع یادگیرنده نمی‌دانند که چگونه از هم یاد بگیرند یا با چه زبانی به یکدیگر یاد دهند که برای اعضا خوشایند باشد، این عوامل سالم بودن اجتماع را بسیار دشوار می‌کند. بنابراین، بحث محدودیت فناوری نیست، محدودیت این است که مردم چگونه از فناوری استفاده می‌کنند. فناوری می‌تواند به اندازه ما، به اندازه‌ای که شما می‌خواهید یا به اندازه یکی از اعضای اجتماع قدرت داشته باشد. بنابراین، این وظیفه مردم است که استفاده از فناوری را یاد بگیرند و قدرت آن را افزایش دهند و محدودیت‌های آن را کم کنند.

● چه عواملی روی یک اجتماع یادگیرنده بر خط موفق و مستمر تأثیر دارد؟

○ من در مورد چارچوبی صحبت خواهم کرد که یکی از ویژگی‌های تحقیقات من در ۱۰ سال گذشته بوده است. به نظر من چهار عامل اصلی وجود دارد: اولین عامل این است که اجتماع یادگیرنده چه به صورت برخط چه به صورت دیگر، باید اجتماعی شدن را آسان کند. بنابراین، در عمل

فناوری اجازه می‌دهد تا شما در ایران، من در مالزی، یک نفر در آمریکا یا استرالیا یا عربستان یا انگلیس یا آفریقا در اجتماع یادگیرنده بر خط جمع شویم و امکان کار کردن با یکدیگر و یاد گرفتن از یکدیگر را در بستر مجازی داشته باشیم. این بزرگ‌ترین نقطه قوت فناوری است





زمانی که معلم می خواهد وارد دنیای اجتماعات یادگیرنده شود، یکی از چیزهایی که باید ترک کند، بودن در مرکز کلاس است. باید به تسهیلگر تبدیل شود

کاتالیزور عمل کند؟» مثلاً متوجه می شوید که ایمیل برای به اشتراک گذاری دانش با عده زیادی از افراد خیلی مناسب است، اما فقط در یک قالب ساختارمند. چرا که شما یک، دو یا سه پاراگراف مطلب می نویسید و برای ۲۰ نفر می فرستید اما اگر آن ها بخواهند نظری بدهند، باید برای همه پاسخ بفرستند. در نتیجه ترکیب کار ساختارمند می شود. از سوی دیگر اگر شما سؤال های بی پاسخی دارید که ممکن است پاسخ های گوناگون و یا طولانی داشته باشند، احتمالاً ترجیح می دهید از «اسکایپ» استفاده کنید که بتوانید صحبت کنید و یا امکانات کنفرانس کردن مکالمات را داشته باشید. نهایت امر اینکه باید ماهیت آن اجتماعی سازی را که می خواهید تسهیل شود، درک کنید. باید ببینید کدام فناوری و چه برنامه برخطی می تواند اجتماعی سازی را آسان کند. همین مفهوم برای برون سازی هم قابل بسط دادن است. کدام برنامه برخط می تواند به برون سازی کمک کند؟ آیا نرم افزار به شما اجازه می دهد که در آن واحد هم صحبت کنید، هم گفت و گوی متنی داشته باشید و هم شکل رسم کنید؟ چرا که توانایی صحبت کردن، وارد کردن متن و افزودن تصویر و قابلیت رسم شکل روی آن ها، شکل گیری ابتدایی برون سازی را ممکن می سازد. همین امر و همین ایده برای عامل سوم و چهارم نیز صحیح است.

● نقش معلمان را در اجتماع یادگیرنده بر خط چگونه می بینید؟

○ گمان می کنم اولین نقششان این است که بخواهند. آن ها باید تصمیم بگیرند که یک اجتماع یادگیرنده و یا یک اجتماع یادگیرنده برخط بسازند. زیرا زمانی که این تصمیم را گرفتند، باید نقش سنتی معلم را کنار بگذارند؛ به این معنی که دیگر در مرکز کلاس قرار نگیرند. پس زمانی که معلم می خواهد وارد دنیای اجتماعات یادگیرنده شود، یکی از چیزهایی که باید ترک کند، بودن در مرکز کلاس است. باید به تسهیلگر تبدیل شود. پس می شود حرکت کردن از معلم در مرکز، به سمت معلم در کنار، و معلم در کناری که تسهیلگر است. من فکر می کنم نقش معلمان در اجتماعات یادگیرنده، چه برخط و چه رودررو، این است که تسهیلگر باشند.

* بی نوشت ها

1. Tee Meng Yew
2. Implicit knowledge
3. Explicit knowledge

که احساس می کنید تعادل خود را حفظ کرده اید، رکاب زدن را آغاز می کنید.

بدین ترتیب در حال برون سازی، به صورت تکه تکه و نه قالب کامل، دانش را بیان می کنید، اما می توانید بخشی از دانش ضمنی را برون سازی کنید. در این صورت، یادگیرنده می تواند تا حدی آن ها را درک کند تا بتواند با محیطی که در آن شنا یا دوچرخه سواری را یاد می گیرد، تعامل داشته باشد.

در مورد نمونه اولیه، می توانید مسائل و دانشتان را با کشیدن تصویر یا ساختن نمونه، به دانش صریح تبدیل کنید. مثلاً اگر می خواهید ایده خود را در مورد طراحی یک کیف یا یک خودرو مطرح کنید، می توانید با ساختن یک نمونه اولیه آغاز کنید. چرا که آن نمونه اولیه، نماینده دانش ضمنی شماست که کمی بیشتر به دانش صریح تبدیل شده است. پس اجتماعی سازی کمک رسان و کاتالیزوری برای برون سازی است.

عامل سوم «ترکیب» یا «هم گذاری» است

که شما را قادر می سازد بنیان های دانش افراد گوناگون را ترکیب کنید. برخی از آن ها ضمنی و برخی دیگر صریح اند و آن ها را به صورتی ترکیب می کنید که بنیان های دانش جدید ایجاد شوند.

عامل چهارم «درونی کردن دانش» است،

زمانی که شما براساس دانش عمل می کنید. من فکر می کنم یک اجتماع یادگیرنده خوب این چهار عامل را دارد. اگر بخواهید در مورد این موضوع بیشتر بخوانید، در وب نام «نوناکا» و چارچوبش «SECI» را جست و جو کنید. همچنین اگر نام من و چارچوب را در گوگل جست و جو کنید، می توانید تحقیقات انجام شده در این زمینه را نیز مشاهده کنید.

● در طراحی اجتماعات یادگیرنده بر خط چه زمینه هایی را باید در نظر گرفت؟

○ این عامل ها رفته رفته می توانند به زمینه تبدیل شوند. گمان می کنم می توان پرسید: «در طراحی یک محیط یادگیری برخط چه عواملی را باید در نظر گرفت؟» مثلاً می توان اجتماعی سازی را در نظر گرفت و پرسید: «در یک محیط برخط چه طور می توان اجتماعی سازی را تسهیل کرد؟ کدام زیرساخت فناوری و کدام رابط کاربری می تواند نشاط آور باشد و برای اجتماعی سازی مثل